«فرهیختگان» فیلم‌های بلند بخش ملی جشنواره سینما حقیقت را بررسی کرد

حقیقت چهاردهم، کمی کم‌رنگ اما سیاسی

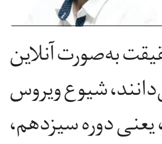

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

امسال برای اولین‌بار جشنواره مستند حقیقت به‌صورت آنلاین برگزار شد و دلیل آن هم چنان که همه می‌دانند، شیوع ویروس کروناست. جشنواره حقیقت تا دوره قبل، یعنی دوره سیزدهم، یکی از پرازدحام‌ترین رویدادهای سینمایی ایران بود؛ یک پاتوق مجانی برای همه عشاق. در سال پیش برای اولین‌بار بلیت‌فروشی در جشنواره حقیقت شروع شد و تدابیر گسترده‌ای که همگی به محدود کردن استقبال از آن منجر می‌شدند، صورت گرفت. سال گذشته در «فرهیختگان» تعارف را کنار گذاشتیم و دلیل این رفتار سازمان سینمایی را توضیح دادیم. موضوع به مسائل سیاسی-جناحی برمی‌گشت. مدیران اجرایی که مستندسازی را برخلاف سینمای داستانی، زمین بازی جناح سیاسی مطبوع خود نمی‌دانستند، به آتش زدن میزانسن دست زدند. برای این مدعا مستندات فراوانی ارائه شد و جزئیات متنوعی به‌عنوان شاهدمثال ذکر شدند؛ اما برگزاری آنلاین سینماحقیقت ربطی به دعواهای سابق ندارد. شاید سال بعد هم در چنین روزهایی هنوز درگیر بحران کرونا باشیم و در آن صورت، حتی اگر مدیران کاملا متفاوتی با مدیران فعلی سر کار باشند و اگر آن مدیران قصد برگزاری جشنواره را داشته باشند و قصد به مسلخ فرستادن مخاطبان و اصحاب رسانه را نداشته باشند، باز هم با برگزاری آنلاین این رویداد مواجه باشیم. در تاریخ مستندسازی ایران، دفاع‌مقدس درخشان‌ترین دوران است. شاید دلیل قضیه کاملا روشن باشد. به هرحال سوژه مهمی سر راه فیلمسازان قرار دارد و گاهی حتی صرفا با چرخاندن دوربین، می‌شد مهم‌ترین تصاویر را ثبت کرد. اما در سال‌های اخیر هم یک دوره قابل‌توجه از درخشش مستندسازی ایران را دیده‌ایم. شاید یکی از چیزهایی که به خیلی‌ها انگیزه آمدن به‌سمت مستندسازی را داد و باعث چنین درخشش‌هایی شد، وجود نمایشگاه پررونقی مثل جشنواره سینماحقیقت بود. یک دوره درخشان، در شرایطی نسبتا عادی. دوره‌ای که ابدا جشنواره‌ای نبود، خصوصا خارجی؛ و بیشتر به انعکاس و بازتاب در رسانه‌ها و بحث و گفت‌وگو پیرامون مضمون کارها اتکا داشت. بخش قابل‌توجهی از این نوع مستندها، از جشنواره حقیقت به‌عنوان یک نمایشگاه استفاده می کردند و در پایان کسی توجه چندانی به اختتامیه و اینکه چه کسانی جایزه را بردند، نداشت. مستندهای بازسازی‌شده با موضوعات تاریخی-سیاسی بخش عمده‌ای از آثار این دوره را تشکیل می‌دادند. این روند طی یکی-دو سال گذشته مقداری کمرنگ شد، هرچند هنوز جای کار داشت و دارد. آثار پژوهشی خوبی هم طی این مدت تهیه و تولید شده‌اند. البته نباید از نظر دور داشت که بحران کرونا روی جریان تولید آثار هم تاثیر محسوسی گذاشته و اگر در چهاردهمین دوره از این رویداد، مثل بعضی دوره‌های قبل، با ترافیک آثار درخشان روبه‌رو نشدیم، باید درک کرد و ناامید نشد. امسال در راهروهای جشنواره همدیگر را نمی‌بینیم و از زمزمه‌ها و بحث‌ها متوجه نخواهیم شد که کدام آثار بهتر هستند و ارزش ایستادن در صف را دارند. شاید وقت آن است که به جای اتکا به شهود جمعی؛ این تجربه ناب و شگفت و درنظر گرفتن نتیجه کلی مشاهدات جمعی به‌عنوان معیاری برای انتخاب آثار برتر، بیاییم و معیارهایی را درنظر بگیریم که کلی هستند و برای انتخاب فیلم مستند، حتی قبل از برخورد با مصادیق هم می‌توانند مورد اعتنا قرار بگیرند. به‌عبارتی سرراست‌تر، حالا که در راهروهای جشنواره همدیگر را نمی‌بینیم تا مستقیما بپرسیم که کدام کارها خوب بودند و حالا که حتی تعداد افراد بسیار کمتری فیلم‌ها را می‌بینند و آخر شب در رسانه‌ها یا صفحات شخصی‌شان درباره آنها می‌نویسند، می‌توانیم این وضع را فرصتی درنظر بگیریم برای شناختن معیارهایی که در تنهایی هم می‌توانند به کمک ما در انتخاب فیلم‌های مستند بیایند. در ادامه مستندهای بلند بخش ملی از چهاردهمین جشنواره سینماحقیقت به‌عنوان شاخصی برای بررسی سینمای مستند ایران طی یک سالی که گذشت، درنظر گرفته شده‌اند و سهم موضوعات مختلفی که موردتوجه مستندسازان ایرانی قرار گرفته، تخمین زده شده است. پس از آن درباره ماهیت مستندسازی و معیارهایی که می‌توانند ما را برای تمیز دادن بین کارهای حرفه‌ای و هنرمندانه با آثار جویای نام اما کم‌مایه کمک کنند، اشاره‌ای گذرا شده؛ هرچند برآمدن از پس چنین تشخیص بزرگی، کاری به این آسانی‌ها نیست.

جاهای خالی پر شود

کارگردان: عطیه زارع آرندی

موضوع: ملینا پس از جدایی پدر و مادرش در خانه پدربزرگ و مادربزرگش زندگی می کند، چراکه والدین او هر دو مجددا ازدواج کرده‌اند و هیچ‌کدام شرایط نگهداری از او را ندارند. اما ملینا در تلاش است شرایطی ترتیب دهد که بتواند با مادرش زندگی کند. این فیلم راجع به شخصیت‌های عجیب نیست، بلکه در فضای شهری روایت شده و به آدم‌هایی می‌پردازد که کارگردان سعی کرده زوایای تازه‌ای از داستان آنها را تعریف کند.

ناخدادریایی

کارگردان: مازیار مشتاق گوهری

موضوع: ناخدا دریایی یک صیاد سنتی بلوچ است که برای صید ماهی تن به اقیانوس‌های دور سفر می کند. او قصد دارد مجددا عازم دریا شود اما با این مواجه می‌شود که همسر اولش او را ممنوع‌الخروج کرده و تقاضای مهریه خود را دارد. درنهایت ناخدا می‌تواند از دادگاه فرصت بگیرد تا هزینه مهریه را تهیه کند و سپس با ۱۸ نفر از ملوان‌های خود که اکثرا کودک هستند، عازم مالدیو و اقیانوس هند می‌شود. او در این سفر با مشکلات بسیاری روبه‌رو است. کارگردان این فیلم تابه‌حال چندین مستند دیگر در محدوده جغرافیایی سیستان و بلوچستان ساخته است.

کمیته

کارگردان: عبدالحسین بدرلو

موضوع: این فیلم تلاشی در حوزه تاریخ شفاهی با موضوع کمیته‌های انقلاب اسلامی، به‌عنوان اولین نهاد تشکیل‌شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است که سال ۱۳۷۰ با ژاندارمری و شهربانی ادغام شد. این روایت، به‌نوعی یک تاریخ‌نگاری شفاهی و خطی، از شکل‌گیری و ادغام کمیته است. موضوعی که عده‌ای روی آن اسم ادغام و عده‌ای نام انحلال می‌ گذارند. اتفاقا یکی از قسمت‌های چالشی مستند «کمیته» همین بخش ادغام با شهربانی و ژاندارمری است، چراکه عده‌ای مخالف و عده‌ای موافق این اتفاق بودند.

در لباس سربازی

کارگردان: مهدی نقویان

موضوع: این مستند، روایتی ویژه از حضور آیت‌الله خامنه‌ای در جبهه‌ها از نخستین روزهای آغاز جنگ تحمیلی تا ترور ایشان در تیر سال ۶۰ است. در این مستند، برخی تصاویر، فیلم‌ها، اسناد و همچنین خاطرات شفاهی خودگفته آیت‌الله خامنه‌ای از دوران دفاع‌مقدس برای نخستین‌بار منتشر شده است. این فیلم با توجه به چهلمین سالگرد دفاع‌مقدس مستندی درباره رهبری ساخته شده و کارگردان آن کتابی را قبل از چاپ دیده که به گفته خودش تحقیقات خوبی در زمینه حضور رهبر انقلاب در زمان جنگ انجام داده بود. اسم این کتاب، دقیقا مطابق با نام مستند، «در لباس سربازی» و نویسنده آن محسن کاظمی بود.

هجده‌هزار پا

کارگردان: مهدی شامحمدی

موضوع: احمد ۲۵ ساله اهل سوریه تلاش می کند برای خانواده خود و بقیه مردم شهرش در فوعه که در محاصره نیروهای تکفیری است، از راه آسمان آذوقه و کمک ارسال کند. مبنای کار دو شهر شیعه‌نشین است که پنج سال در محاصره داعش و جبهه‌النصره بوده‌اند و در این مدت از طریق هواپیماهای بارریز به آنها آذوقه رسانده می‌شد. در هجده‌هزار پا موضوع اصلی هواپیماهایی هستند که به شهرهای محاصره‌شده می‌رفتند و غذاها را در شهرها می‌ریختند تا افراد زنده بمانند.

گزارش رمادی

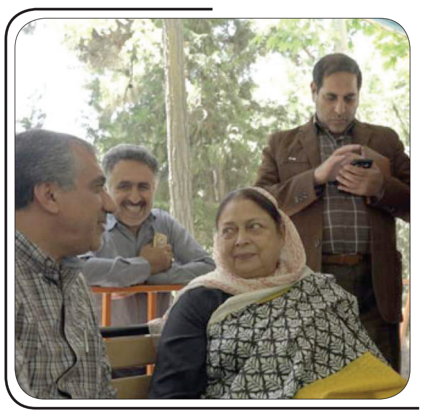

کارگردان: علی‌محمد ذوالفقاری

موضوع: ۳۵ سال پس از پخش گزارش «کودکان زندانی» یا همان ۲۳ نفر معروف، چهره‌های ماجرا همدیگر را ملاقات می کنند. درباره این نوجوانان کرمانی تابه‌حال کتاب، فیلم، برنامه تلویزیونی و حتی موزیک‌هایی تهیه شده است. حالا علی‌محمد ذوالفقاری مستندی ساخته که در آن، سال‌ها پس از پخش گزارش «کودکان زندانی» از شبکه دوم تلویزیون دولتی فرانسه، چهره‌های ماجرا بار دیگر هم‌دیگر را ملاقات می کنند. این دیدار این‌بار، نه در آسایشگاه ۱۹ کمپ رمادی که درون باغی در تهران رخ می‌دهد.

رویاهای خالکوبی‌شده

کارگردان: مهدی گنجی

موضوع: چند نوجوان عاشق فوتبال از مناطق مختلف ایران با هم رقابت می کنند تا بتوانند برای آموزش فوتبال به اسپانیا بروند. والدین آنها انتظار دارند که فرزندان‌شان با درآمد فوتبال، زندگی کل خانواده را نجات دهند اما رفتن به اسپانیا مسیر دشوار و چالش‌برانگیزی دارد. تابه‌حال فیلم‌های سینمایی و مستند فراوانی با همین درون‌مایه و موضوع، راجع به کودکان آمریکای لاتین یا آفریقایی‌تبار و خانواده‌های آنها ساخته شده است و شاید این اولین نمونه در ایران باشد. رویاهای خالکوبی‌شده زمینه‌ای ورزشی دارد اما نمی‌توان آن را فقط یک فیلم ورزشی دانست.

ساکنین طبقه بالای لاله‌زار

کارگردان: فریبا رئیسی

موضوع: این فیلم به فضای خیابان لاله زار بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ برمی گردد. بعد از کودتا، فضای لاله‌زار به‌شدت مبتذل شد. آوازها و نمایش‌های غیرسیاسی و خنثی‌سازی شده و پر از رقص و آواز و آتراکسیون در آن محل سرآمد شدند. روشنفکران و متجددین از لاله‌زار خارج شدند و مغازه‌دارها مزون‌دارهای مرفه به‌سمت شمال شهر رفتند. اما عده‌ای که توانایی رفتن به آن مناطق را نداشتند، به طبقات بالاتر پاساژهای لاله زار کوچ کردند؛ خیاط‌های میان‌پایه و کسبه و تولیدکنندگانی از این دست. طبقه بالای لاله‌زار، به‌رغم اینکه در بالا قرار می گیرد، به طبقات پایین‌تر جامعه آن روز کنایه می‌زند.

داغ قره‌باغ

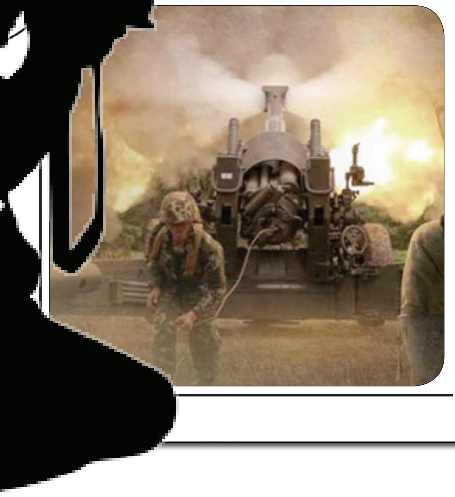

کارگردان: سیناحسین پوراصل

موضوع: نمایش فیلمی با موضوع بحران قره‌باغ و اختلافات میان جمهوری آذربایجان و کشور ارمنستان از این جهت که هنوز چندی از جنگی که بر سر این موضوع در گرفت نمی گذرد و اخیرا حتی مجددا زمزمه‌های از درگیری در آن مناطق شنیده شده (یعنی هنوز در دل واقعه هستیم)، واقعا حیرت‌انگیز است. این فیلم فوری‌ترین واکنش سینمایی به چنین موضوعی بود. کارگردان فیلم در این‌باره می گوید: «باتوجه به اینکه می‌دانستیم روزی دوباره این زخم سر باز می کند و این بحران از انجماد خارج می‌شود و با علم به اینکه چنین بحرانی به‌شدت در امنیت ملی کشور ما تاثیرگذار خواهد بود، از سه‌سال پیش تحقیق و پژوهش و جمع‌آوری تصاویر آرشیوی را در این خصوص آغاز کردیم. یک سال اخیر را هم در پروسه تولید قرار داشتیم اما همزمانی نمایش فیلم با ماجراهای اخیر قره‌باغ کاملا اتفاقی بود.»

در جست‌وجوی معیاری برای تشخیص بهترین مستندسازان

می گویند «ورود لوکوموتیو بخار به ایستگاه لسیوته»، اولین قطعه ویدئویی دنیا که سال ۱۸۹۵ برادران لومیر، یعنی مخترعان سینما آن را در قطع ۵۰ ثانیه‌ای نمایش دادند، یک فیلم مستند بوده است. ورود دستگاه سینماتوگراف به ایران توسط ناصرالدین‌شاه قاجار هم چنین قصه‌ای دارد و اولین فیلم‌های ضبط‌شده در جغرافیای ایران را هم فیلم مستند حساب کرده‌اند. البته بعدها تحلیل هایی جدی‌تر از راه رسید و گفت چنین مواردی صرفا ضبط تصاویر متحرک بوده‌اند، نه تولید فیلم سینمایی. امروز و در قرن ۲۱ که تقریبا همه در دستگاه‌های تلفن همراه‌شان امکان ضبط تصاویر متحرک را دارند، بهتر معلوم می‌شود که بین فیلمبرداری از یک صحنه، با فیلمسازی کلی تفاوت هست؛ اما به هرحال اینکه «ورود لوکوموتیو بخار به ایستگاه لسیوته» یا اولین تصاویر ضبط‌شده در دربار قاجار لااقل طبق بعضی تعاریف توانستند در گونه فیلم مستند قرار بگیرند، یک چیز را به‌خوبی روشن می کند؛ وادی مستندسازی غیرحرفه‌ای‌ترین بخش از ساختار سینماست و هرکس با حداقلی از دانش سینمایی، می‌تواند وارد آن بشود و فیلم بسازد. این جمله ممکن است هواداران سینمای مستند را عصبانی کند اما اتفاقا نتیجه‌ای که از آن قرار است گرفته شود، کاملا برعکس تصور اولیه‌ای خواهد بود که امکان دارد از ظاهرش بربیاید. وقتی یک وادی عمومی‌تر باشد و پای همه خیلی راحت به آن گشوده است، برای حرفه‌ای‌ها ایجاد یک تمایز مشخص بین خودشان و سایرین، دشوارتر خواهد شد. اینجاست که معلوم می‌شود قرار گرفتن در جایگاه یک هنرمند مستندساز چقدر سخت است و برای ایستادن بر چنین سکوی افتخاری، چه راه سختی باید پیموده شود. قضیه مثل شعر یا داستان‌نویسی در ادبیات می‌ماند؛ چون قلم و کاغذ یا سخت‌افزار تایپ و البته سواد خواندن و نوشتن به‌راحتی در اختیار همه هست و هرکس می‌تواند چیزی بنویسد و آن را شعر یا داستان به‌حساب بیاورد. اخیرا حتی در کشور خودمان مد شده که خیلی از همین نوع افراد به‌هزینه خودشان کتاب شعر یا داستان‌شان را منتشر می کنند و عنوان مولف کتاب را به دست می‌آورند. در این شرایط برای یک ادیب واقعی مسیر صعبی هست تا بتواند میان خودش و خیل نابلدان علاقه‌مند به کسب عناوین رسمی، تمایزی محرز را به نمایش بگذارد.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

تقسیم‌بندی موضوعی مستندهای بلند بخش ملی در چهاردهمین جشنواره حقیقت

اگر به فهرست فیلم‌های بلند بخش ملی در چهاردهمین جشنواره سینماحقیقت نگاهی بیندازیم، شاید تا حدی بتوان فضای کلی این دوره از جشنواره و البته فضای کلی حاکم بر جو مستندسازی را در سالی که گذراندیم، فهمید. از میان ۱۶ فیلم این بخش، یکی درباره کرونا و مبارزه کادر درمانی ایران با آن ساخته شده؛ موضوعی که استاد اکبر عالمی، پیشکسوت حوزه مستندسازی و نقد فیلم، قصد داشت کاری درخصوص آن بسازد و در این راه جانش را از دست داد. یک فیلم دیگر با نام «ایساتیس» هم در فهرست ۱۶ تایی بخش آثار بلند ملی حضور دارد. این فیلم نگاهی اسطوره‌شناختی به شهر یزد داشته و شاید درست‌تر است که آن را در زمره آثار تاریخی قرار ندهیم. یک فیلم خانوادگی هم داریم که درباره یک دختربچه یا به‌عبارتی یک کودک طلاق است. از این سه مورد که نمونه‌های مشابه در فهرست باقی آثار این بخش ندارند، اگر بگذریم، باقی فیلم‌ها را به سه دسته کلی می‌توان تقسیم کرد؛ جنگی، تاریخی و معضلات طبقات محروم جامعه. بعضی فیلم‌ها در دو گروه از این تقسیم‌بندی قرار می گیرند. یعنی مثلا هم جنگی هستند و هم تاریخی. آثار جنگی را هم می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ جنگ‌های اخیر در منطقه خاورمیانه و جنگ ایران و عراق. آثار تاریخی هم به دو دسته قابل تقسیم‌بندی‌اند؛ تاریخ سیاسی و تاریخ هنر. اگر فیلم‌هایی را که در دو یا سه دسته از این تقسیم‌بندی قرار می گیرند، به‌طور جدا در هرکدام از جدول‌ها تکرار کنیم، به ۲۰ عنوان می‌رسیم. با این حساب از میان موضوعات مختلف، ۲۵ درصد جنگی هستند و سه درصد تاریخی که نیمی از آنها تاریخ سیاسی و نیم دیگر تاریخ هنر را دستمایه قرار داده‌اند. طبقات محروم و خرده‌فرهنگ‌ها هم سهمی ۳۰ درصدی دارند و موضوعاتی مثل کرونا، اسطوره‌شناسی بومی و مسائل خانوادگی، هرکدام با یک فیلم، بیش از پنج درصد از عناوین را به خود اختصاص داده‌اند. امسال سه فیلم درخصوص جنگ‌های منطقه خاورمیانه یا در رابطه با وضعیت کشورهای جنگ‌زده ساخته شده و فیلم خانه که در ردیف آثار مرتبط با موضوع طبقات محروم قرار گرفت هم از آنجا که به وضعیت یک خانواده افغانستانی در ایران و سودای آنها برای مهاجرت معکوس به کشورشان ساخته شده است، هرچند در محاسبات جزء فیلم‌های جنگی قرار نگرفت، به‌نحوی با واسطه، بی‌ارتباط با این فضا نیست. چنان که می‌بینیم، مستندهای تاریخی با اینکه هنوز سهم بالایی در این فهرست دارند، نسبت به سال‌های قبل حجم کمتری پیدا کرده‌اند و این کاهش را در بخش مستندهای سیاسی می‌شود بیشتر هم حس کرد. از میان سه مستند تاریخی-سیاسی این دوره، دو مورد درحقیقت جنگی هم هستند و فیلم‌های قرارگرفته در این رده، در جدول آثار جنگی هم محاسبه شده‌اند. امسال تنها یک مستند پرتره تاریخی-سیاسی داریم که آن هم درباره مقطعی یک‌ساله از زندگی شخصیت اصلی‌اش بوده؛ اما توجه به تحولات منطقه و زیست مردم ساکن در آن و البته توجه به مردم مناطق مختلف ایران و مشکلات و محرومیت‌هایشان، سهم بیشتری پیدا کرده است. حتی یکی از مستندهای مرتبط با تاریخ هنر، به خرده‌فرهنگ‌های فراموش‌شده می‌پردازد. تاریخ هنر، همیشه سهم ثابتی در جشنواره‌های مستند و فیلم کوتاه ایران داشته که امسال هم تقریبا به همان نسبت در بخش ملی فیلم‌های بلند جشنواره حقیقت تکرار شده است. اما غیر از کرونا که لااقل یک کار درباره آن لازم داشتیم و غیر از موضوع اسطوره‌شناختی فیلمی که مایه‌های عرفانی و فلسفی هم دارد، موضوعات خانوادگی، مثل کودک طلاق، سهم پایینی داشتند. ظاهرا انتخاب فیلم «در جست‌وجوی فریده» برای حضور در مراسم اسکار سال پیش هم نتوانست مسیر مستندسازان ایرانی را به این سمت یعنی موضوعات خانوادگی و البته کم‌خطرتر بکشاند و آنها همچنان اصرار دارند که در کنج عافیت قرار نگیرند و سراغ چالش‌های جدی‌تر بروند. البته مستند «جاهای خالی پر شود» نگاه دغدغه‌مندانه‌تری نسبت به نماینده ایران برای حضور در نودودومین دوره جوایز اسکار دارد.

تقسیم‌بندی موضوعی مستندهای بلند بخش ملی در چهاردهمین جشنواره سینما حقیقت

جنگ‌های منطقه	هجده‌هزار پا، داغ قره‌باغ، چشم ایرانی
جنگ ایران و عراق	گزارش رمادی، در لباس سربازی
تاریخی سیاسی	گزارش رمادی، کمیته، در لباس سربازی
تاریخ هنر	ساکنین طبقه بالای لاله‌زار، انیمیشن ایرانی، آیینه‌دار
طبقات محروم و خرده‌فرهنگ‌ها	ناخدا دریایی، رویاهای خالکوبی شده، ساکنین طبقه بالای لاله‌زار، خانه، اباقچی
کرونا	آنجا سپیده‌دم
اسطوره‌شناختی	ایساتیس
خانوادگی	جاهای خالی پر شود

farhikhtegan

خانه

کارگردان: افسانه سالاری

موضوع: این فیلم مستند درباره سه نسل از خانواده‌ای افغانستانی است که در سه طبقه یک خانه آجری در جنوب‌تهران با هم زندگی می کنند و روابط عمیق و صمیمانه‌ای بین‌شان برقرار است. «محمدتقی» پسر جوان خانواده صفری که در ایران به‌دنیا آمده، به‌زودی از دانشگاه تهران با مدرک کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل می‌شود. او تصمیم گرفته است برای همیشه ایران را ترک کند، به افغانستان برگردد و آنجا کار و زندگی کند؛ سرزمین مادری‌اش که هرگز آن را ندیده است. خانواده‌ای که سال‌ها با زندگی در غربت کنار آمده با سفر محمدتقی در مسیر تازه‌ای می‌افتد. این مستند درطول چهارسال ساخته شده است، تهیه کنندگان آن ایرانی نیستند و قبل از فستیوال فیلم حقیقت، در پنجاه‌ویکمین جشنواره بین‌المللی مستند ویزیون دو ریل از ۲۴ آوریل تا ۲ می (۵ تا ۱۳ اردیبهشت) که در کشور سوئیس به‌صورت آنلاین برگزار شد، مورد تقدیر قرار گرفت.

ایساتیس

کارگردان: علیرضا دهقان

موضوع: این مستند که یکی از تدوینگران آن بهمن کیارستمی است، ظاهرا درباره شهر یزد و مسائل اسطوره‌ای کویر آن است. کارگردان فیلم در خلاصه داستانی که موظف بوده از آن منتشر کند، نوشته است: «داستان سفر. سفر یکی از فرزندان ما؛ آدم. سفری به درازای هزاران سال در دل کویر سختگیر در مرکز این سرزمین. داستانی که صدای راویانش، باد، آب، آتش و خاک را هرکسی نمی‌شنود. پس گوش دل بسپار که شرحی شنیدنی است.» هرچند طی سال‌های اخیر بارها بیان و تاکید شده است که فیلمسازان نباید به‌عنوان خلاصه داستان‌شان، عبارات کلی و مبهم و شعرگونه ارائه بدهند و چنین رفتاری توهین به مخاطبان است، باز هم چنین موردی بین آثار بخش ملی جشنواره حقیقت دیده شد. توصیف فیلم برعهده منتقدان و مخاطبان است نه خود فیلمساز؛ تا چه رسد به توصیفی چنین عاشقانه نسبت به فیلمی که اگر هم خوب باشد، بهتر است دیگران از آن تعریف کنند. به هرحال ایساتیس نام قدیمی شهر یزد در متون باستانی است و بعضا گفته‌اند که نام مکانی دیگر بوده است و بعدا به شهر یزد اطلاق شده است.

انیمیشن ایرانی

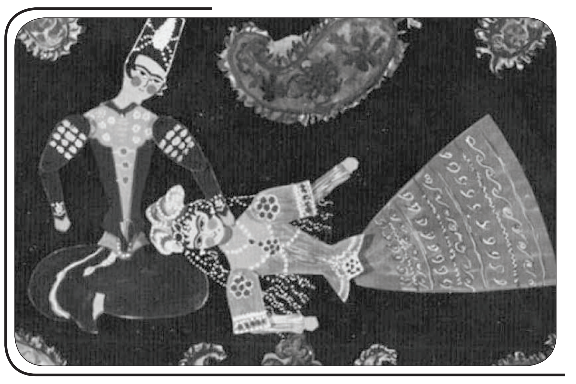

کارگردان: مهرداد شیخان

موضوع: ۷۰ سال تاریخچه و روند شکل‌گیری و گسترش انیمیشن ایران از نخستین سال‌های ابتدایی تا سال‌های اخیر در این مستند مرور شده است. این مستند با نمایش روند و سیر تکامل انیمیشن در ایران تلاش دارد تصویری مشخص از آن ارائه دهد. پژوهش این فیلم طی حدود دوسال انجام شد و اصلی‌ترین حوزه‌هایی که مشخصا به آنها پرداخته شده، شامل وزارت فرهنگ و هنر در سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰، کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان، تبلیغات، تلویزیون، آثار مستقل و تجربی و همچنین انیمیشن‌های سینمایی هستند. در این مستند گفت‌وگوی بسیاری از پیشکسوتان انیمیشن ایران که حتی بعضی از آنها امروز در قید حیات نیستند، دیده می‌شود.

چشم ایرانی

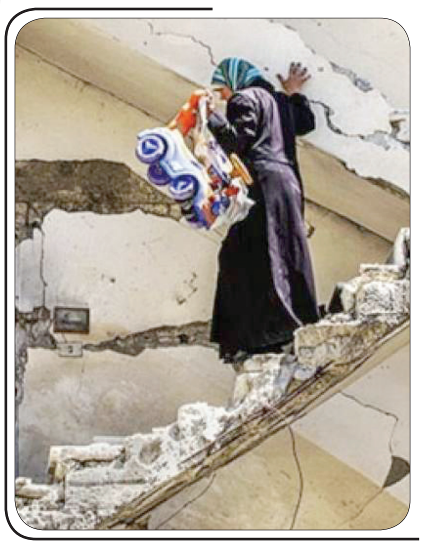

کارگردان: ساسان فلاح‌فر

موضوع: این فیلم روایتی از حضور یک عکاس ایرانی در جنگ‌های سوریه و عراق است؛ عکاسی که نامش را بارها شنیده‌ایم و او را با عکس‌های ماندگاری که خلق کرده است، به یاد می‌آوریم. حسن قائدی، یک عکاس بحران که علاوه‌بر حضور در جبهه سوریه و عراق در بسیاری از بحران‌های ایران مثل زلزله بم، سیل گلستان و... هم حضوری فعال داشته است. او از سال‌های ابتدایی جنگ تا اواخر آن در مناطق بحرانی حضور داشته و تصاویری را ثبت کرده است. این فیلم می‌تواند یک مستند پرتره محسوب شود و هم یک مستند بحران. در این مستند از دریچه دوربین یک عکاس، به ماجرای جنگ سوریه و عراق نگاه می‌شود، یعنی از حضور او استفاده شده تا یک‌سری واقعیات را با سند، عکس و فیلم ببینیم.

اباقچی

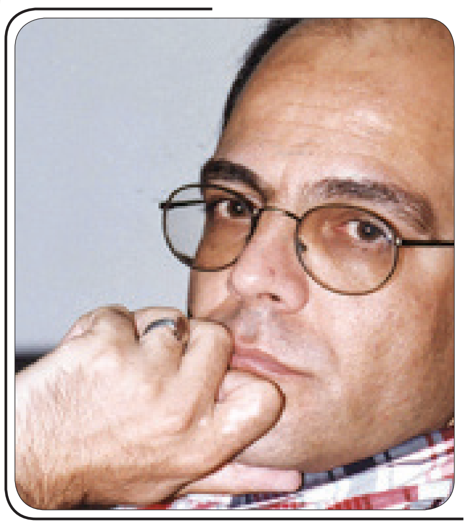

کارگردان: محمدحسن دامن‌زن

موضوع: فیلمساز میانه‌ای، بعد از آثار مستندی مثل «طرقه»، «دختر فرمانفرما»، «زنجموره»، «گلن»، «مجتبی» و «همنفس»، باز هم در منطقه‌ای که به آن آشناست و آگاهی خوبی از زوایای آن دارد، فیلمی با درونمایه‌های انسان شناختی ساخته است. این بار اما مایه‌های اجتماعی هم به موضوع فیلم او اضافه شده است و قضیه به خیلی از نقاط دیگر ایران هم قابل تسری است.

ماجرای اباقچی درباره یک خانواده است که تلاش می کنند بتوانند در شهر خانه‌ای بخرند تا فرزندشان در شهر به مدرسه برود. آنها مشکلات زیادی را باید از سر بگذرانند تا بتوانند به خواسته خود برسند.

آیینه‌دار

کارگردان: پویان کاظمی

موضوع: عکاسباشی پیری که دیگر کنج عزلت گزیده، جایش را به برادر جوان‌ترش می‌دهد. حالا این فیلم به بهانه عکس‌هایی که میرزا حسن عکاس و بعدتر میرزا فتح‌الله عکاس در اواخر دوران قاجار از شیراز گرفته‌اند، دری باز می کند به حال‌وهوا و فضاهای شیراز در سال‌های پیش از انقلاب مشروطه و بعد از آن. به‌عبارتی حال‌وهوای شیراز در سال‌های پیش از انقلاب مشروطه، یا همان دوران قبل از تجدد و شروع فرنگی‌مآبی، در خاطرات یک عکاس پیر دوباره زنده می‌شود و خرده‌فرهنگ‌ها و رسوم از یاد رفته سهم عمده‌ای در فضاسازی فیلم دارند.

آنجاسپیده‌دم

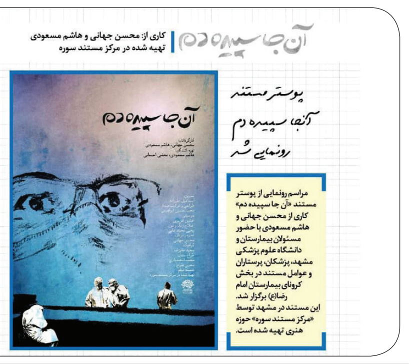

آن جا سپیده دم
کاری از: محسن جهانی و هاشم مسعودی
تهیه شده در مرکز مستند سوره
پوستر مستند آنجا سپیده دم رونمایی شد
مراسم رونمایی از پوستر مستند «آن جا سپیده دم» کاری از محسن جهانی و هاشم مسعودی با حضور مسئولان بیمارستان و دانشگاه علوم پزشکی مشهد، پزشکان، پرستاران و عوامل مستند در بخش کرونایی بیمارستان امام رضا(ع) برگزار شد.
این مستند در مشهد توسط «مرکز مستند سوره» حوزه هنری تهیه شده است.

کارگردان: محسن جهانی و هاشم مسعودی

موضوع: «اینجا سپیده دم» روایتی مستند از روزهایی است که محسن جهانی در بیمارستان امام‌رضا(ع) مشهد مقدس سپری می کند. درواقع او که خود مستندساز و پرستار بخش سوختگی این بیمارستان است، در زمان اوج گیری کرونا، وقتی نیاز به حضور کادر درمان بیشتر شده بود، درخواست انتقال به بخش بیماران کرونایی بیمارستان را می‌دهد، یعنی خط مقدم جبهه سلامت و ماجرا دقیقا از همین جا آغاز می‌شود. او به بخش ICU بیماران کرونایی می‌رود و دور از خانواده، در خانه‌ تنها می‌ماند. این پروژه ۱۰ ماه پیش کلید خورد؛ درست در روزهای آغازین اوج فراگیری ویروس کرونا، تولید این مستند بیش از ۷۰ جلسه ضبط داشت. بسیاری از تصاویر این فیلم با موبایل یا حتی توسط خود محسن جهانی به‌صورت سلفی ضبط شده‌اند و بعد روی آنها اصلاح رنگ و نور صورت گرفته است.